

موفقیت‌های اولیه‌ای وجود داشت. یک دولت طرفدار غرب روی کار آمد. مدارس، بیمارستان‌ها و امکانات عمومی جدید ساخته شد. هزاران دختر که تحت حاکمیت طالبان از تحصیل محروم بودند به مکتب رفتند. زنان که عمدتاً توسط طالبان در خانه خای خود محبوس شده بودند به کالج رفتند، به نیروی کار پیوستند و در پارلمان و دولت خدمت کردند. همچنین رسانه‌های خبری قوی و مستقل ظهور کرد.

اما فساد بیدار می‌کرد. صدها میلیون دلار پول بازسازی به سرقت رفته یا اختلاس شده بود. دولت ثابت کرد که نمی‌تواند اساسی‌ترین نیازهای شهروندان خود را برآورده کند. غالباً اقتدار آن در خارج از شهرهای بزرگ از بین رفته بود.



برای جلوگیری از چنین نتیجه‌ای، استراتژیست‌های واشنگتن با طرح‌های مختلفی درانداختند از جمله طرحی برای ایجاد یک دموکراسی پرونوق در زمین‌های بایر سیاسی افغانستان که هویت‌های قبیله‌ای، قومی و فرقه‌ای در آن تسلط دارند، طرحی که هیچ وقت کار نکرد.

دولت بوش با محو کردن مرز بین القاعده و طالبان اشتباه اساسی دیگری مرتکب شد. القاعده در درجه اول شبکه‌ای از اعراب بود، نه افغان، در حالی که مشغله‌های طالبان کاملاً محلی بود.

با این حال امروز تعداد فزاینده‌ای از استراتژیست‌های ایالات متحده بر این باورند که بیش از طالبان، بزرگترین اشتباه واشنگتن این بود که نقش پایدار پاکستان در جنگ را به رسمیت نشناخته یا انجام نداده است ولی او یک ماجرای دیگر است کتاب ویتلاک در مورد آن نیست.